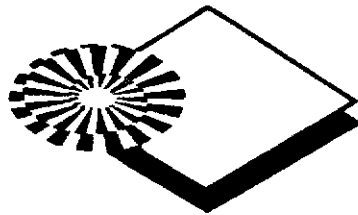


اندیشه



■ تعاملات تعاون و تمدن*

مهندس سید مرتضی نبوی

تعاون تنها یک بخش اقتصادی نیست، بلکه بیانگر سطحی از تمدن یک جامعه نیز هست. در واقع رابطه نزدیکی میان گسترش تعاون و توسعه تمدن در یک جامعه برقرار است. درست است که «تعاونی» یک بخش اقتصادی است، اما وقتی صحبت از «تعاون» می‌شود، هم صحبت از جنبه فرهنگی است و هم صحبت از مقولات اجتماعی و اقتصادی.

*- این مقاله از سخنرانی نگارنده در گردهمایی سراسری مسزولان تعاون کشور برگرفته شده است.

سیر تعاون در غرب را که نظاره می‌کنیم، همین مفهوم را به وضوح در می‌یابیم. وقتی در طول زمان، تحولی در مسائل اجتماعی غرب اتفاق می‌افتد، تعاونیها هم متحول می‌شوند و جایگاه خاصی پیدا می‌کنند. وقتی چالش‌های اقتصادی، بحرانهایی را در جامعه پدید می‌آورد، اختلاف طبقاتی ایجاد می‌شود و فقر و تنگدستی به بار می‌آید، بعضی از متفکرین، حتی از میان روحانیین به این فکر می‌افتند که موضوع تعاونیها را مطرح کنند و سامانی به آن بدهند. در واقع ملاحظه می‌کنیم همان طور که روابط اجتماعی در غرب تکامل می‌یابد، تعاونیها هم به همین نسبت توسعه پیدا می‌کند.

از دیدگاه ما، مسأله تعاون یک اصل اعتقادی است و پایه ساخت تمدنها «تعاون» است. از روزی که بشر به شهر آمد، مدینه‌ای تشکیل داد و تمدنی را پایه‌گذاری کرد، به این نتیجه رسیده بود که نباید به زندگی صرفاً از نظرگاه منافع و مسائل اقتصادی نگاه کند، بلکه باید اقتصاد را در خدمت اهداف والای انسانی گرفته و نباید تنها حداکثر سود ملاک عمل او باشد. لذا وقتی صحبت از تعاونی می‌شود، مفهومش آن است که انسانهایی دارای آن تمدن و فرهنگ هستند که پذیرفته‌اند باید برای رسیدن به یک هدف والا و نه صرفاً اهداف اقتصادی، با هم همکاری کنند.

در تعاونیها، انسانها آموزش می‌بینند و تربیت می‌شوند. در واقع روح همکاری در این تعاونیها تقویت می‌شود و این به گمان من بزرگترین دستاورد است. اگر هدف را تربیت انسانها بدانیم، در واقع تعاونیها تجلی‌گاه بروز روحیه همکاری، درک متقابل، کوشش برای تفاهم و سعی در تقویت جنبه‌های مثبت همراهی در یک جامعه رو به رشد دانسته می‌شوند.

در اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی بخش تعاونی مورد تأکید خاص واقع شده است و اصولاً هدایت قانون اساسی این است که باید در بخشهای اقتصادی بین دولت (که وظایفی را به عهده دارد و قاعدتاً مردم توان انجام آن را ندارند) و

تعاونی (که اهدافی را برای آن در نظر می‌گیرد)، تعادل برقرار باشد. در واقع هدف قانونگذار بیشتر متوجه کمک کردن و حمایت از کسانی بوده که قدرت تفکر و کار دارند اما امکانات و ابزار تحقق آن را ندارند.

خوشبختانه مجلس شورای اسلامی همواره امر «تعاون» را مورد توجه خاص قرار داده است. در خط‌مشی‌ها و سیاست‌های برنامه دوم به خصوص تأکید شده که باید تعادلی بین بخش‌های مختلف اقتصادی برقرار شود که متأسفانه امروز این تعادل در جامعه ما برقرار نیست: بخش دولتی بزرگی داریم، بخش تعاونی مان بسیار کوچک و بخش خصوصی مان نسبتاً کوچک. نمی‌دانم این آمار چقدر صحیح است اما گفته می‌شود که بخش اقتصادی تعاونی ما یک چیزی حدود سه درصد است. این نشان می‌دهد که مسئولین تعاونیها، وزیر محترم، مجلس شورای اسلامی و به طور کلی همه دست‌اندرکاران، برای اینکه بخش تعاون را به جایگاه خود برسانند تا به آن اهدافی که مورد نظر است دست پیدا کند، مسؤولیتشان چقدر سنگین است.

البته تلاشهایی در این زمینه انجام شده و ان‌شاءالله امیدواریم به جایگاه خودش برسد و دغدغه موجود برطرف گردد. چون بنده در مباحث کمیسیون تلفیق برای تهیه برنامه دوم حضور داشتم، خیلی از عزیزان و نمایندگان که در این کمیسیون از کمیسیونهای مختلف مجلس شرکت داشتند، همه روی مقوله ایجاد تعادل بین بخش‌های مختلف اقتصادی نظر داشتند و به همین دلیل جزء یکی از سیاست‌های توسعه در برنامه دوم قرار داده شد. یا فی‌المثل امسان با تسهیلاتی که برای بخش تعاون پیش‌بینی شده است، سهم این بخش از تسهیلات مندرج در تبصره ۳، به ۱۵۰ میلیارد تومان افزایش یافت.

در اینجا بی‌مناسبت نمی‌دانم که به طرحی که از سوی شماری از نمایندگان مجلس مطرح گردیده - یعنی ادغام وزارت تعاون در وزارت بازرگانی - اشاره‌ای داشته باشم؛ فی‌الواقع حتی امضاکنندگان طرح هم وقتی احساس کردند ممکن

است این امر سبب تضعیف روحیه مسئولین تعاون بشود، پیشنهاد کردند که این طرح مسکوت مانده و از دستور کار این دوره، مجلس خارج شود. اگر وجود و بررسی این طرح در مجلس باعث بروز کوچکترین شائبه‌ای مبنی بر تضعیف بخش تعاونی یا تضعیف روحیه دست‌اندرکاران این بخش گردد، موضوع آن منتفی و مناسب‌تر آن است که در جایگاه خودش، به آن پرداخته شود. به گمان من بهترین جایگاه اینگونه ادغام‌ها و یا تجزیه‌ها همانا تشکیلات و ساختار نهایی و مطلوب دولت و مدیریت اجرایی کشور است.

به هر حال همت و عنایت مجلس همواره این بوده که بخش تعاونی رشد پیدا کند و معتقد است که همه، اعم از قوه مقننه و کلیه دستگاههای اجرایی باید حامی تعاونیها باشند. چرا که هم اهداف فرهنگی در آن ملحوظ است، هم اهداف اقتصادی و هم هدفهای سیاسی.

مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی یک کار کارشناسی درخصوص موضوع تعاون انجام داده بود که من مطالعات اولیه‌شان را گرفتم. این کار حاکی از این است که مشکلات بخش تعاونی و نگرانیهایی که در این زمینه وجود دارد، با ادغام وزارت تعاون در وزارت بازرگانی حل نمی‌شود. وقتی بناست ما به سمتی حرکت کنیم که این بخش به جایگاه واقعی خودش برسد، حتماً باید تدابیر دیگری بیندیشیم. من تصور می‌کنم باید تمام راه کارهای توسعه بخش تعاونی را مورد مطالعه و تحقیق قرار بدهیم. مسائل تعاونیها واقعاً یک تحقیق همه‌جانبه را می‌طلبد که ان‌شاءالله مسؤولان، ملحوظ نظر قرار داده و روی آن کار کنند. در سطح دنیا مطالعاتی انجام شده و در کشور خودمان نیز خوشبختانه تجاربی را پشت سر گذارده‌ایم و مطالعاتی داشته‌ایم که می‌توانند تدوین و تئوریزه بشود و نهایتاً به کمک مطالعات مذکور به این نتیجه برسیم که موانع و مشکلات فراروی تعاونیها چیست و چگونه می‌توانیم سهم واقعی را برای این بخش فراهم آوریم. تعاونیها البته از بعد اشتغال نیز جایگاه مهمی دارند، می‌دانیم که به دنبال

گسترش آموزش عالی در سطح دانشگاه‌های دولتی و دانشگاه آزاد، امروزه این دغدغه احساس می‌شود که حتی در رشته‌های پزشکی، مابا تعداد فارغ‌التحصیلان بیش از نیاز مواجه هستیم. در سایر رشته‌های فنی - مهندسی، اقتصاد، علوم انسانی نیز وضع به همین صورت است. این افزایش در حقیقت به معنای توسعه نیروی انسانی است و زیربنای توسعه در هر کشور شناخته می‌شود. باید امروز همه به فکر این موضوع باشند که چگونه زمینه کار را برای این عزیزان فراهم کنند. بهترین قالبی که به نظر می‌آید بتوان در چارچوب آن از این نیروی آماده و پر تلاش و جوان در رشته‌های مختلف استفاده نموده، موجبات تشکل آنان را فراهم آورد، از توان فکری آنها مدد جوید و امکانات و سرمایه و تسهیلات در اختیارشان بگذارد، همین قالب تعاونی است.

البته در اینجا یک نکته مهم مطرح هست و آن همگونی و همراهی اعضای یک تعاونی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. بعضی وقتها مجموعه افرادی که با یکدیگر همگنی خاصی دارند - فی‌المثل دوستان دوران تحصیل بوده‌اند یا در بسیج بوده‌اند، یا در جبهه بوده‌اند، یا در اسارت بوده‌اند - اینها گردهم می‌آیند حدود هفت، هشت، ده نفر می‌شوند و می‌خواهند طرحی را پیاده کنند. من شنیدم که در مواردی تخصیص وام به طرحشان موکول به این شده که بروند تعداد افرادشان را مثلاً به ۵۰ نفر برسانند و آنها هر چه جستجو کرده‌اند نتوانسته‌اند مجموعه‌ای را بیابند که در دراز مدت و در طول اجرای طرح با یکدیگر همگونی و شناخت متقابل داشته و بتوانند با هم به خوبی کار کنند و طرح با شکست روبرو نگردد.

باید تجارب گذشته را خوب به کار بست و اگر مجموعه‌های خوب، مبتکر، هماهنگ، خلاق می‌یابیم، قید و بندهای اداری را کنار بگذاریم و به جای قطعه قطعه کردن منابع به اجرای ناچیز، به کار آمدی و قابلیت‌های گروه فکر کنیم و در صحنه عمل، موفقیت‌های مضاعف برای تعاونیها پدید آوریم و مطمئن باشیم که

موفقیت تعاونیها بهترین شیوه توسعه آن در کشور است. تجربه گذشته را حتماً ملاک قرار بدهیم و راهنمای عمل آینده بسازیم.

در واقع تشکلهای همگن و هماهنگ و همدل و هم ریشه هستند که می توانند مشکلات اقتصادی و اجتماعی یک منطقه را حل کنند، طرحهای بزرگ کشاورزی، دامپروری و صنعتی و همینطور مسائل مختلف را بر عهده بگیرند و انجام دهند. البته موکول به این که - همانطور که عرض کردم - محدودنگری در کار نباشد و واقعاً حمایت بشوند.

بحث دیگری که لازم می دانم مطرح نمایم (و چندی پیش در سر مقاله مجلس و پژوهش به آن اشاره داشتیم) موضوع توسعه تعاونی فارغ التحصیلان دانشگاههای کشور (از جمله دانشگاه آزاد) است. البته اینجانب در این خصوص مذاکره ای با آقای دکتر جاسبی داشتم و ایشان این پیشنهاد را پسندید و در این خصوص نیز مکاتبه ای با جناب آقای هاشمی رفسنجانی ریاست محترم جمهوری داشته اند. تا حدی که بنده به شهرهای مختلف رفته ام و شاهد بوده ام، اکنون در هر شهری شما با یک دانشگاه مواجه هستید که فضای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن شهر را متحول کرده است. برخی از آن فارغ التحصیلان با همدیگر جمع شده و مثلاً دبیرستانی را دایر کرده اند. چه خوب است که اینها، این مجموعه متخصصین با هم متشکل بشوند و وزارت تعاون و مسؤلین از آنها حمایت کنند و یقیناً با اعتمادی که مردم می توانند به آنها پیدا کنند (چون محلی هم هستند) می توانند گامهای بسیار بلندی بردارند.

قاعدتاً یکی از اهداف این گردهماییها این است که دیدگاههای اولیه را گرد بیاورد و آن را اساس مطالعه قرار داده و نهایتاً معلوم کند که در این امر چه برنامه ریزیهایی باید صورت گیرد و نیاز به تصویب چه قوانینی وجود دارد و امثال ذلک.

بی تردید شماری از مشکلات ما در این قضیه، جنبه اجتماعی دارد و تبلیغات

اجتماعی را می‌طلبد. باید تبلیغاتی را در این زمینه سامان داد که بینش مردم نسبت به تعاونیها اصلاح بشود، نسبت به اهداف تعاون آگاهی پیدا کنند و آمادگیهای برای مشارکت در این بخش فزونی گیرد.

البته یکی از تنگناهایی که در حال حاضر تعاونیها را رنج می‌دهد، کمبود اعتبار، سرمایه و امکانات است که دولت و مجلس اهتمام دارند تا در حد توان، این مضیقه را برطرف کنند. نظام ما یک نظام اعتقادی است، با اهداف انسانی و یقیناً در بخش اقتصادی آن، این بخش تعاونی است که می‌تواند این اهداف ارزشمند را تحقق ببخشد. اما یک نکته در این معنی هست و آن اینکه قاعده‌تاً تعاونیها وقتی به عنوان یک بخش اقتصادی مطرح می‌شوند، باید بتوانند بعد از آنکه در مدت معینی مورد حمایت و پشتیبانی دولت قرار گرفتند و یارانه‌هایی را دریافت کردند، در مدّت زمان معقولی مستقل شوند و تبدیل به یک واحد «اقتصادی» به معنای واقعی کلمه گردند و بتوانند روی پای خودشان بایستند. در تعاونیها معمولاً دخالت دولت باید به صورت حداقل باشد که امیدواریم این مسأله همچنان مدنظر مسئولین باشد و خدای نکرده، دخالتهایی که می‌تواند به مخدوش کردن اهداف تعاونیها منجر شود هیچ وقت اتفاق نیفتد.

آرزوی همه ما آن است که جمهوری اسلامی ایران بتواند در برنامه دوم، الگویی از بخش تعاون به دنیا عرضه کند که در حقیقت بازتاب دهنده تمدن عالی اسلامی باشد. بین تعاون و تمدن، رابطه نزدیکی است. انسانهایی می‌توانند تمدن‌ساز باشند که بتوانند با یکدیگر تشریک مساعی نمایند و جامعه‌ای تمدن واقعی را تجربه خواهد کرد که پیوند مردم و مسئولین آن از نوع مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی باشد. در واقع این ره آورد فرهنگی و روحیه تعاون است که سبب رشد و تعالی تمدن یک جامعه می‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته